سند پیوست عدالت که به تازگی توسط وزارت رفاه تهیه شده یک ابزار سیاست‌گذاری محسوب می‌شود. به طور کلی وقتی صحبت از عدالت می‌شود، به خودی خود مباحث ناعدالتی نیز آن عجین است. به عنوان شروع بحث می‌خواستم در این باره توضیح دهید که ایده پیوست عدالت چرا و چگونه در وزارتخانه مطرح شده است؟ و اصولاً چه تغییری در زندگی مردم ایجاد خواهد کرد؟

من تشکر می‌کنم از طرح این مبحث و تشریح آن در روزنامه ایران و فرصتی که در اختیار من قرار دادید. درباره سؤال شما ابتدا باید به این واقعیت اشاره کنم که اینکار عمل توسط رهبر انقلاب ارائه شده است. برخلاف پیوست‌هایی مانند محیط زیست که ابتدا توسط کارشناسان مطرح و بعد به قانون تبدیل می‌شود و مقرراتی برای آن تصویب می‌شود در مورد پیوست عدالت، تاکجا که من می‌دانم اولین بار مقام معظم رهبری در دیدار با دولت شهید رئیسی این موضوع را مطرح کردند. در حوزه رفاه اجتماعی یا این لفظ، آشنایی وجود نداشت. بعد از طرح بحثی که در دولت قبل انجام شد، تیم تحقیقاتی که از قبل در وزارت رفاه وجود داشت، به این برآورد رسید که مفهوم «ارزیابی تأثیر سر بر اری» در کشورهای مختلف وجود دارد یا حداقل یک دهه از این بحث در دنیا می‌گذرد در حالی که خلأآن در ایران وجود دارد. من اطلاعی ندارم که آیا کارشناسان به رهبری پیشنهاد کردند و انتقال دادند یا اینکه خود ایشان به این ایده رسیدند که مانند پیوست‌های اجتماعی و محیط زیست چرا نباید پیوست عدالت نیز وجود داشته باشد. به هر حال تأکید ایشان زمینه ساز شد که گروهی از کارشناسان تجربیات جهانی را بررسی کنند و این کار با دولت چهاردهم مجدداً شروع شد. اینکه پیوست عدالت چه تأثیری بر زندگی مردم دارد را به طور خلاصه باسخ می‌دهم. من فکر می‌کنم کم خیلی از مسائلی که بر آن روبه‌رو هستیم و عمدتاً به آن در تاثرازی های مجموعه اقتصاد ایران دیده می‌شود، مصداق از بی‌عدالتی است. بی‌عدالتی در رفتار با محیط زیست یکی از این بحث‌است. اینکه ظرفیت های محدود آب را نمی‌شناسیم و با برداشت بی‌رویه آب یا ساخت صنایع و کشاورزی محیط زیست را تخریب می‌کنیم یک نوع بی‌عدالتی است. واقعیت این است که اگر عدالت را وضع شده بدانیم، در محل درست تعریف کنیم، به مثال ملموسی که می‌رسیم اینکه سیاست که در ایران وجود دارد یا به تعبیر توماس پیکتی در دنیا وجود دارد و محصول سازوکارهای بی‌عدالتی هاست. مثلاً به فرآیند انتخاب مدیران نگاه کنید. بزرگترین ظلم این است که مدیری صالح‌تر وجود داشته باشد و مدیر دیگری انتخاب شود. این یک ظلم به همه مردم است. این مفهوم از عدالت تأثیر مستقیمی بر زندگی مردم دارد. مدیری که بر اساس روابط سیاسی یا فشار گروهی از نمایندگان مجلس انتخاب می‌شود تا حتی رسانه ایدی به راحتی به آن نمی‌رسیم. اینها مشکلات ساختاری هستند که اگر در نظام بروزکاسی مقابل دیدیم یک تغییر نشدنی به نظر می‌رسید اما یک پیشرفتگی از بیرون راحل می‌دهد.

از ۶۰ مصداق چند نمونه دیگر هم اگرممکن باشد ارائه دهید. اینها مسائلی بی‌عدالتی است که در وزارتخانه شما هستند...

خب مثلاً در حوزه معلولان حداقل ۱/۵ میلیون نفر از این بی‌عدالتی رنج می‌برند. یا طبق آمار فقط کارگران ۱۲ هزار کارگاه تشکل دارند. در حالی که یک کار مشخص در شهر چند هزار باشد. اینکه چرا نگاه ضد تشکل گرایی وجود دارد یک بحث مفصل است. اما به طور کلی می‌توان گفت که از یک سو نگاه و تجربه ابتدای انقلاب وجود دارد که از این تشکل‌ها برای اهداف سیاسی استفاده می‌شد از طرف دیگر تشکل‌های کشور باید منافع صنفی را افزایش دهند و الزاماتی برای آن وجود دارد. نهادهای اجتماعی را باید با نگاه اجتماعی ببینیم نه با نگاه امنیتی.

یعنی برمبنای نظرسنجی بوده است؟

بله ابتدا به صورت مصاحبه بود و این اظهارات به گفت‌وگوهای عمیق‌تر با مدیران مربوطه تبدیل شد و آنها اظهاراتی را مطرح کردند و توسط یکی دو استاد دانشگاه، آن پاسخ مورد نقد و بررسی قرار گرفت تا بفهمیم که چقدر این بی‌عدالتی مصداق داشته است؟

بنابراین یک نوع برون سپاری از مصادیق بی‌عدالتی رخ داده است؟

البته همکاری‌هایی را با این اندیشکده‌ها داشته‌ایم. چون پیچیدگی‌های روباه‌ی وجود دارد و کار را سخت می‌کند.

یک مثال می‌زنم. اگر یک مدیری برای سازمان بهزیستی بخواهد منصوب کند، چگونه این کار انجام می‌شود؟

در سازمان‌هایی که نام برده روبه روشن است. مثلاً در سازمان فنی و حرفه‌ای حدود ۶۰۰ نفر داوطلب شدند و یکی از مراکز کانون‌های بزرگ کشور اینها صلاحیت مدیریتی شان مورد بررسی قرار گرفت. پس از آن هر نامزد زنده بشدت شد. در شهر و استان این نامزد نیز از این زنده بندی صورت گرفت و مشخص شد که فرد در کجا قرار دارد. در سازمان تأمین اجتماعی، سازمان صنعت گرفتن گرفت و ما کانون ارزیابی‌مان برای وزارتخانه مؤسسه «صفاء» مشخص بود و حقوق کشوری بود و این آزمون را برگزار کرد. عدالت شکلی هم به همین رویه‌های شفاف انتصاب برمی‌گردد. قواعد روشنی وجود داشته باشد که چگونه یک فرد می‌تواند مدیر شود و سلسله مراتب را طی کند. در عدالت آموزشی یک نوع برابری باید وجود داشته باشد. در آن نقطه همان طور که رئیس جمهوری گفته‌اند، چرا گروه‌های کم درآمد از آموزش بهتری برخوردار نیستند. شاید اینجا بیشتر تبعیض مثبت هم وجود داشته باشد. برای اینکه نابرابری‌ها را حل کنیم باید امکانات را به سمت گروه‌های کم درآمد سوق بدهیم. این در دولت چهاردهم واقعاً وجود داشته است. یعنی هر وقتی امتیازی به مراکز غیردولتی داده شده تأکید رئیس جمهوری این بوده که یا این سطح از مدارس دولتی که داریم منابع هدایت شود به سمت مراکز غیردولتی هدایت شود.

در سند پیوست عدالت، مسأله سالمندی به عنوان یک چالش بی‌عدالتی مطرح شده. برنامه وزارت تعاون برای چالش سالخوردگی در ایران و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن چیست؟ به ویژه اینکه وضع صندوق‌ها هم خوب نیست.

به طور کلی در پیوست یا سند عدالت، از دستگاه مربوطه این سؤال مطرح می‌شود که آیا سیاستگذاری با مقرراتی که پیشنهاد می‌کنید، برای افراد سالمند و غیرسالمند تفاوتی دارد یا نه؟ اگر تفاوتی قائل می‌شود، میزان آن چقدر است. اما جرا این سؤال مطرح می‌شود؟ به این دلیل که برخی از گروه‌ها مانند اقوام در سال‌های طولانی مشکلاتی داشته‌اند، یا زنان یا معلولان. اساساً سالمندان گروه‌هایی هستند که باید یک رتبه‌بندی نگاه تبعیض مثبت نگریست. زیرا به واسطه سالمندی میزان بیماری‌های فرد افزایش می‌یابد و هزینه‌ها در دایره شبکه ارتباطات اجتماعی سالمند محدود شود که همه اینها باعث می‌شود یک سالمند آسیب‌پذیرتر باشد. برای همین در ایران و دیگر کشورها حساسیت نسبت به سالمندی یا کودکان است که برای سالمندی یک نهاد خاص ایجاد می‌کنند. در ایران برای سالمندی را داریم که به دنبال بهبود وضعیت سالمندان کشور است. در نشست پیوست عدالت که با حضور رئیس جمهوری برگزار شد، اندیشکده مربوطه در بررسی‌های خود، این نکته را مطرح کرد که در بعد جهانی، از آنجا که همه کشورها با محدودیت‌های بودجه‌ای روبه‌رو هستند، عموماً از ظرفیت‌های مردمی برای حمایت از سالمندان استفاده می‌شود. اما ما در این نهادهای مردمی را محدود کردیم که باعث می‌شود سالمندان هم از این محدودیت‌های مدنی متضرر شوند. در وزارت تعاون، درحال انجام اقداماتی هستیم تا بتوانیم مسأله سالمندی را بهبود ببخشیم. به عنوان مثال، در ابتدای سال با سازمان برنامه و بودجه تفاهم کردیم تا بازنشستگان کشوری در بیمارستان‌های دولتی خدمات بهتری می‌گیرند، به سود بازنشسته هم هست، زیرا مراجعه کمتری به بیمارستان‌های خصوصی خواهند داشت و لازم نخواهد بود در هزار کارگاه تشکل دارند. در حالی که یک کار مشخص در شهر چند هزار باشد. اینکه چرا نگاه ضد تشکل گرایی وجود دارد یک بحث مفصل است. اما به طور کلی می‌توان گفت که از یک سو نگاه و تجربه ابتدای انقلاب وجود دارد که از این تشکل‌ها برای اهداف سیاسی استفاده می‌شد از طرف دیگر تشکل‌های کشور باید منافع صنفی را افزایش دهند و الزاماتی برای آن وجود دارد. نهادهای اجتماعی را باید با نگاه اجتماعی ببینیم نه با نگاه امنیتی.

اگر به کل این مصادیق ۶۷ گانه بخواهیم نگاهی کنیم چه تعداد از افراد دارای این مصادیق درگیر هستند؟

همین الان ۲۴ میلیون نفر در ایران شاغل هستند که ۶ میلیون نفر از آنها بیمه بازنشستگی ندارند. پیشنهاد خیلی خوبی که یکی از اندیشکده‌ها داده و مبنای کار ما هم شده این است که چگونه می‌شود که برای همه اینها باعث شود یک سالمند آسیب‌پذیرتر باشد. برای همین در ایران و دیگر کشورها حساسیت نسبت به سالمندی یک گونه‌ای است که برای سالمندی یک نهاد خاص ایجاد می‌کنند. در ایران برای سالمندی را داریم که به دنبال بهبود وضعیت سالمندان کشور است. در نشست پیوست عدالت که با حضور رئیس جمهوری برگزار شد، اندیشکده مربوطه در بررسی‌های خود، این نکته را مطرح کرد که در بعد جهانی، از آنجا که همه کشورها با محدودیت‌های بودجه‌ای روبه‌رو هستند، عموماً از ظرفیت‌های مردمی برای حمایت از سالمندان استفاده می‌شود. اما ما در این نهادهای مردمی را محدود کردیم که باعث می‌شود سالمندان هم از این محدودیت‌های مدنی متضرر شوند. در وزارت تعاون، درحال انجام اقداماتی هستیم تا بتوانیم مسأله سالمندی را بهبود ببخشیم. به عنوان مثال، در ابتدای سال با سازمان برنامه و بودجه تفاهم کردیم تا بازنشستگان کشوری در بیمارستان‌های دولتی خدمات بهتری می‌گیرند، به سود بازنشسته هم هست، زیرا مراجعه کمتری به بیمارستان‌های خصوصی خواهند داشت و لازم نخواهد بود در

در وزارت رفاه، دبیرخانه پیوست عدالت هم تشکیل شده است. این دبیرخانه چیز جدیدی است؟ آیا قرار است این دبیرخانه رابطه بین ذی نفع، اندیشکده و ساختار رابه عهده داشته باشد؟

برای برخی از موضوعات مثل کودکان، گروهی از اسناد دانشگاه را به کار گرفتیم که در حوزه فقر کودک در حال رصد تحولات و توزیع جغرافیای آن هستند. چیزی که امروز قول می‌دهیم این است که تا آخر پاییز بحث پیوست عدالت، شکل و شیوه‌های آموزشی آن به دولت ارسال شود و دنبال این باشیم که در دولت نهادینه کنیم و زمینه‌های پیوست عدالت برای هر مقرره را در کشور

شما در سفر به بندر ماهشهر ۴ راهکار برای شرکت‌های زیرمجموعه وزارت تعاون داده بودید که از جمله مصوبات به کارگیری مدیران پروژی، شهرهای شرکتی در استان‌ها و استخدام‌های بومی و مانند اینها بود. الان که یک نیم سال از آن زمان می‌گذرد چه نتیجه‌ای داشته است؟

هدف ما توازن منطقه‌ای بوده و با ابزارهایی که داشتیم سعی کردیم که این توازن را برقرار کنیم. به طور مثال درباره اتفاق حساب شرکت‌های دولتی به آن استان باید یکویم که در زمانی که معاون وزارت کار بودم به دنبال این کار بودم اما ابزار آن را نداشتیم و فکر می‌کردیم که با زور و پیگیری می‌توان انجام داد.

چگونه قرار است با چالش مقاومت این شرکت‌ها در مقابل سیاست‌های اصلاحی مقابله کنید؟

هر سیاست کلیدی اجرا کیرد برنده دارد و یک بازنده و در این میان باید برنده را پیدا کرد. در همین بحث حساب شرکت‌ها، تکنیکی که بانک مرکزی ایجاد کرده این است که با

برش

نمی‌توان همان روش‌های ایجاد رفاه بدون پول که به آنها اشاره کردید، در زمینه حمایت از نیکاه‌ها هم اجرا کرد تا در جاز بزنیم نیرو بشوند؟

به این مسأله توجه شده است. به عنوان مثال، مشکل تأمین مسکن کارگری وجود داشت که از ۲۰ به ۳۰ سه سوسکت مسکن بوده، ما در وزارت تعاون تیا تلاش‌های زیاد و همکاری وزارت راه آن را کلید زدیم. امروز برای ساخت ۹۲ هزار مسکن کارگری، زمین لازم به کارخانه داده شده تا برای کارگرانشان خانه بسازند. گزارش ما نشان می‌دهد آماده‌سازی این زمین‌ها به حوالی پشروف است. وزارت راه و شهرسازی در این زمینه حاضر به همکاری و تأمین زمین شده است. اگر ما بتوانیم موانع همین طرحی را برطرف کنیم و برای خانه‌سازی کارگران پیش برویم، نتایج خوبی خواهد داشت. اما اینکه غیر از مسکن، چه کار دیگری می‌توان کرد که در کام دیگر راه‌حل‌های کلی را برای رفع این تبعیض‌ها شناسایی و اجرا می‌کنیم، مانند تجربه کشورهای دیگر که با حساب بازنشستگی مانند حساب

آقای مبدری فلانی را منصوب کرد و فلانی را منصوب نکرد یا اینکه او فقط نیروهای سیاسی را آورده است. اساساً در نظام بنگاه‌داری، شما با چه شرایطی مواجه هستید؟

درباره وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باید در فرصت دیگر و به صورت مستقل صحبت کنیم. ببینید! اینطور گفته می‌شود که در تاریخ جمهوری اسلامی هیچ «وزیر کاری» استیفاء نشد، اما این را هم می‌گویند که «هیچ وزیر رفاهی» هم کار خود را به آخر نرساند. عنصری که در این میان وجود دارد، بنگاه‌ها و شرکت‌ها هستند و مسأله این شرکت‌ها و بنگاه‌ها نیز این است که هر کاری کنید نمی‌توانید رضایت گروه‌های ذیفع را تأمین کنید. زیرا واقعاً منابعی وجود ندارد. باید باستید و بگویید که منابع و فرصت‌ها براساس این ضوابط توزیع می‌شود. پس عادلانه رفتار کنیم. از شما می‌پرسم؛ وقتی عادلانه و براساس ضوابط رفتار با تصمیم گرفته شود، چه اتفاقی می‌افتد؟

در این صورت کسی که بی نصیب بماند، می‌گوید که بی‌عدالتی صورت گرفته است.

نه فقط این، بلکه با اجرای ضوابط و رعایت عدالت همه گروه‌ها ناراضی می‌شوند، نه فقط یک گروه. به واقع نتیجه این رویکرد همین می‌شود؛ بعنی در این صورت هیچ‌کس از شما راضی نخواهد بود، نه دوست و نه دشمن، همه ناراضی خواهند بود.

بنابراین می‌توان گفت فشارهایی که نسبت به وزارت تعاون وجود دارد، همه جایی است و این فشارها ناشی از این است که شما برای تصدی مدیریت شرکت‌های وزارتخانه ضوابط تعیین کرده‌اید و این ضوابط دیگرنمی‌پذیرد که قوی‌ها توصیه‌ای مسئول با رئیس شرکت شود.

بنابراین توصیه کنندگان که ممکن بود در هر بخشی باشند، ناراضی می‌شوند.

مثالی بزنم. در زمینه قوانین حداقل دستمزد، تعرفه مراکز نگهداری معلولان و سالمندان و ۴۵ درصد افزایش دادیم. همسان سازی حقوق بازنشستگان سرانجام با مشکلات بسیاری انجام شد و حقوقشان افزایش یافت. درست است که در این زمینه قوانین نوشته و تأکید شده حقوق بازنشستگان باید افزایش یابد، اما مسأله این است که منابع و جایی که باید این پول‌ها تأمین شود، به این سادگی مهیا نمی‌شود.

من شنیدم که یک بار به کسی گفته شد چرا می‌خواهید در فلان شرکت حضور داشته باشید؟ پاسخ این بود که ما در ستاد انتخاباتی بودیم و در این جلسه، این حق ماست که اینجا حضور داشته باشیم.

همین تصور را دارم. می‌گویند ما موقع انتخابات در ستاد حضور داشتیم و فعالیت و هزینه کردیم، بعد از انتخابات چه کار کنیم؟ بنابراین می‌دوند گفت این یک مشکل نظام انتخاباتی است.

بخش ناگسیخ بار ماجرا این است که آن میلیون ها نفری که مخاطب وارتخانه شما هستند و باید از خدماتی که حق شان است شما تأمین کنید بهره‌مند شوند، اصلاً در جریان این بد بستان ها نیستند. با اینکه این مخاطبان میلیونی وارتخانه شما نمی‌دانند برای تأمین نیازها و حقوق آنان و شناسایی و رفع بی‌عدالتی‌ها چه مشکلاتی دارید؛ در مقابل چیزی که همیشه می‌شنوند این است که احمد میدری، فلان فرد را برای فلان شرکت انتخاب کرده و فلان فرد سیاسی را مدیر کرد و جرا آدم‌های ما مدیر نشدند و مانند اینها. گویی برخی ها اصلاً توجهی به عدالت و منافع مردم ندانسته و به هیچ وجه مردم برایشان محوریت ندارد.

شما ۶۷ مصداق بی‌عدالتی در دستگاه تحت مدیریت خود در این سند اشاره کردید. این مصداق‌ها چطور شناسایی شده‌اند؟

در تدوین پیوست عدالت، درباره عدالت شفافی هم بحث کردیم. گزارش‌های زیادی در این زمینه وجود دارد. در برخی از کشورها حقوق‌ها دو بار در سال تعیین می‌شود، اما مسأله‌ای که امروز در کشور ما اهمیت دارد، این واقعیت است که در شرایط تحریم، امروز برخی از بنگاه‌های ما با پدیده خروج نیروهای انسانی با عدم نگهداشت آنها روبه‌رو هستند. در چنین شرایطی، اگر بخواهیم حداقل مزد را نیز دو برابر در سال افزایش دهیم، واقعاً معلوم نیست با چه میزان ریزش نیروی انسانی مواجه خواهیم شد، زیرا مشخص نیست بنگاه‌های ما تا چه میزان کشش این افزایش دستمزد را داشته باشند.

برش

در مصادیق بی‌عدالتی که شما در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی احصا کردید، به نظر می‌رسد مسأله دستمزد ها مغفول واقع شده، در حالی که اساساً سازمان تعیین دستمزد نارضایتی ایجاد می‌کند.

در سال‌های گذشته، بانک مرکزی ایران بارها به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام کرده که رئیس جمهوری به صورت مداوم تصمیم می‌گیرند و حوزه عدالت را پیگیری می‌کنند که شامل عدالت آموزشی، عدالت در سلامت و عدالت منطقه‌ای می‌شود که عدالت منطقه‌ای تحت عنوان تمرکززایی منطقه‌ای پیگیری می‌شود. این یک موضوع، سه مسأله سالمندی را در ایران مورد توجه قرار می‌دهد. در حوزه عدالت آموزشی، سلامت را تمرکززایی هم به همین ترتیب، می‌شود بون پول گاهایی در مسیر عدالت انجام داد. مثلاً در تهران هزینه‌های مسکن بسیار بالاست. اگر عدالت در بودجه‌ریزی رعایت نشود، بعضی شهرها حساب‌های بانکی خود را به استان‌ها و شهرهای محل فعالیت خود منتقل کنند، همه شهرستان‌ها رونق را تجربه می‌کنند و همه افراد می‌توانند با هزینه کمتری نسبت به تهران در شهرستان‌ها خانه اجراه کنند و در خود تهران هم مشکل سوداگری و ازدحام جمعیت تا حد زیادی رفع می‌شود. بنابراین در خیلی جاها می‌توانیم بدون صرف پول، رفاه مردم را افزایش دهیم.

ایا موتور پیشرانش همه این طرح‌ها پول و بودجه است، درحالی که امروز در کشور با کمبود منابع روبه‌رو هستیم.

ببینید! دیوید کامرون در زمان نخست وزیری انگلستان گفت «دیگر همه دولت‌ها بی پول شدند و حالا باید ببینیم چطور می‌شود رفاه را بدون پول ایجاد کنیم.» البته دولت‌ها می‌توانند رفاه را بدون پول ایجاد کنند، اما ما به عنوان فرد نمی‌توانیم چنین رفاهی را بدون پول ایجاد کنیم.

البته یک شهروند نمی‌تواند پول چاپ کند، اما دولت می‌تواند پول چاپ کند.

بسیاری از سیاست‌ها این طور نیست که حتماً به پول نیاز داشته باشد. حتماً خبرنگاران عزیز مسأله را شنیدید که بخاری های ۱۰۰ هزار خانوار تحت پوشش بهزیستی به صورت رایگان تعویض و یا بخاری‌های مدرن جایگزین شد. می‌دانید که یک بخاری معمولی هر ساعت ۸ مترمکعب گاز می‌سوزاند، اما یک بخاری بهینه ۴ مترمکعب می‌سوزاند و این یعنی میزان مصرف نصف شده و گاه تا ۴۰ درصد هم می‌رسد. با این کار علاوه بر اینکه بخاری در در اختیار خانوارهای تحت پوشش قرار گرفت، می‌توان آن ۴ مترمکعب باقی مانده را نیز فروخت یا فکر دیگری برای آن کرد. اساساً بیمارستان‌های خصوصی بخشی از هزینه را خودش پرداخت کند. به طور کلی، بهبود وضعیت درمان سالمندان اجرا اساسی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است که عدالت در سلامت می‌شود که عدالت منطقه‌ای تحت عنوان تمرکززایی منطقه‌ای پیگیری می‌شود. این منطقه‌ای سنگینی پرداخت یا زنان یا معلولان. اساساً سالمندان گروه‌هایی هستند که باید یک رتبه‌بندی نگاه تبعیض مثبت نگریست. زیرا به واسطه سالمندی میزان بیماری‌های فرد افزایش می‌یابد و همین، احتمال دارد شبکه ارتباطات اجتماعی سالمند محدود شود که همه اینها باعث می‌شود یک سالمند آسیب‌پذیرتر باشد. برای همین در ایران و دیگر کشورها حساسیت نسبت به سالمندی یک گونه‌ای است که برای سالمندی یک نهاد خاص ایجاد می‌کنند. در ایران برای سالمندی را داریم که به دنبال بهبود وضعیت سالمندان کشور است. در نشست پیوست عدالت که با حضور رئیس جمهوری برگزار شد، اندیشکده مربوطه در بررسی‌های خود، این نکته را مطرح کرد که در بعد جهانی، از آنجا که همه کشورها با محدودیت‌های بودجه‌ای روبه‌رو هستند، عموماً از ظرفیت‌های مردمی برای حمایت از سالمندان استفاده می‌شود. اما ما در این نهادهای مردمی را محدود کردیم که باعث می‌شود سالمندان هم از این محدودیت‌های مدنی متضرر شوند. در وزارت تعاون، درحال انجام اقداماتی هستیم تا بتوانیم مسأله سالمندی را بهبود ببخشیم. به عنوان مثال، در ابتدای سال با سازمان برنامه و بودجه تفاهم کردیم تا بازنشستگان کشوری در بیمارستان‌های دولتی خدمات بهتری می‌گیرند، به سود بازنشسته هم هست، زیرا مراجعه کمتری به بیمارستان‌های خصوصی خواهند داشت و لازم نخواهد بود در

در کشورها کارهای این طوری وجود دارد که می‌توان بدون پول انجام داد. همین حالا، میزان گازهای همراه ایران که از دست می‌رود، به اندازه کل مصرف اروپاست، پس می‌شود از این کار خلق ثروت کرد. بنابراین از این مثال‌ها درباره اتلاف منابع در ایران موارد زیادی داریم. می‌دانید که عدالت در آموزش، کارآمدی و رفاه فرد را افزایش می‌دهد. همین حالا برخی خانواده‌ها برای حضور فرزندان شان در مدارس خصوصی هزینه‌های سنگینی پرداخت می‌کنند، درحالی که اگر مدارس تفکیک نمی‌شدند، دولت و مردم می‌توانستند با هزینه‌های کمتری از وجوه خاص بهره‌مند شوند. در حوزه سلامت یا تمرکززایی هم به همین ترتیب، می‌شود بون پول گاهایی در مسیر عدالت انجام داد. مثلاً در تهران هزینه‌های مسکن بسیار بالاست. اگر عدالت در بودجه‌ریزی رعایت نشود، بعضی شهرها حساب‌های بانکی خود را به استان‌ها و شهرهای محل فعالیت خود منتقل کنند، همه شهرستان‌ها رونق را تجربه می‌کنند و همه افراد می‌توانند با هزینه کمتری نسبت به تهران در شهرستان‌ها خانه اجراه کنند و در خود تهران هم مشکل سوداگری و ازدحام جمعیت تا حد زیادی رفع می‌شود. بنابراین در خیلی جاها می‌توانیم بدون صرف پول، رفاه مردم را افزایش دهیم.

بخشی از برنامه شما در وزارت تعاون برای رفع بی‌عدالتی، نیازمند همکاری‌های بین بخشی است. در حوزه زایرشسنگی، آموزش یا مهارت‌ها یا وزارتخانه‌های صمت، وزارت نفت و حتی شرکت‌های خصوصی همکاری کنند. آیا انگیزه وزارت تعاون برای تحقق عدالت و رفع مصادیق بی‌عدالتی در نهادها و سازمان‌های دیگر هم وجود دارد؟ آیا وزارتخانه‌ها و سازمان‌های بیرون از شما هم انگیزه خود انتقادی برای شناسایی بی‌عدالتی‌ها در وزارتخانه و سازمان‌ها خود دارند؟

بعضی از بخش‌ها اساساً شریک وزارت تعاون محسوب می‌شوند. مثلاً در حوزه تعاون، نصف جمعیت در سازمان تأمین اجتماعی تحت پوشش وزارتخانه تعاون، کار و رفاه اجتماعی هستند. بنابراین می‌توانیم این همکاری‌ها را تعریف کنیم. کما اینکه اکنون هم اکارهایی انجام شده است. در یک فعال شوند تا صدای اندیشکده‌های مختلف گفتمان شنیده شود. در این صورت خبرنگاران پس از آگاهی از سند پیوست عدالت در وزارت تعاون، از وزارتخانه‌های دیگر هم مطالبه خواهند کرد که آیا شما هم در مجموعه خود در وزارتخانه مصادیق بی‌عدالتی دارید؟ و اگر دارید، چرا برای رفع آن چکار می‌کنید؟

سازوکاری برای سنجش اجرای پیوست عدالت طراحی کرده‌اید؟

همان اندیشکده‌هایی که فعال بودند در شناسایی مصادیق بی‌عدالتی کمک‌ها و همکارها را هم پایش خواهند کرد. تلاش ما این است که با اندیشکده‌هایی که کار را شروع کردیم، با همان‌ها کار را ادامه دهیم.

شما در یک مصاحبه گفتید در وارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی، جزایر بی‌عدالتی هست. این جزایر به بی‌عدالتی دامن می‌زنند؟ آیا به اندیشکده‌ها رجوع کردید تا از فضای این جزایر بیرون بیایید؟

در شرکت‌های دولتی این جزایر اجازه حاکمیت قانون را نمی‌دهند. برای همین، در این شرایط، کار مدیر فقط می‌شود اینکه میان این جزایر مصالحه ایجاد کنند، البته مصالحه به معنای منفی که بیشتر حالت بد بستان پیدا می‌کند تا این مدیر بتواند این جزایر را در جای خودشان نگه دارد. با اینکه مدیر باید یک فرآیند پرچالش را با این جزایر ادامه بدهد تا بتواند آنان را از روالی که ایجاد کردند دور کند، یعنی روالی که خیلی وقت‌ها برای حفظ خودشان و بعضی وقت‌ها برای تأمین منافع خودشان، امکان اعمال مدیریت را از مدیران شرکت‌ها سلب می‌کنند.

تأکید شما در چه نوع آدم‌هایی است؟

همه جور آدم‌هایی؛ گاهی بچه‌های ما هستند هم می‌توانند در زمره آنها قرار شوند زیرا سامانه‌ها هم اگر قرار شود در مسیر اختیار قرار.

حتما منظور شما بیرحی از خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای است؟

اتفاقاً در همه حوزه‌ها باید از واژه «برحی» استفاده کرد و این طور نیست که در حوزه‌های مختلف همه آدم‌ها جزو این جزیرا قدرت باشند، قطعاً اینطور نیست. با اینکه وقتی از جزایر قدرت صحبت می‌کنم، اصلاً منظورم

برخی اینطور عنوان می‌کنند که سمت‌های اداری و شرکت‌ها بستر رشد نیروهای سیاسی است، به این معنی که رئیس‌جمهوری جدید باید برای پیشبرد کارش نیرو داشته باشد و این نیروها هم باید در این شرکت‌ها یا سایر مسئولیت‌های اداری قبلاً تجربه آموخته باشند تا بتوانند مسئولیت‌های بعدی خود را ایفا کنند. در صورتی که ساحت نظام اداری، غیر از پست وزرا، باید پست‌های کارشناسی باشد

یعنی قبل میان زادول دولت

در حکومت کار می‌کردند؟

۳۷ رشته شغلی در کشور هستند که حق بیمه آن را دولت پرداخت می‌کرد.

اما میل سازان جزو مشاغل به نسبت خوب جامعه محسوب می‌شوند.

گویا در سال ۱۳۶۱ نماینده‌ای حدود ۳۷ رشته شغلی به دولت مراجعه کرده و

عکس: سجاد صفری/ ایران

توضیحات مفصل احمد میدری درباره طرح «پیوست عدالت» در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

پلتفرم پیچیده عدالت در ایران

گفت‌وگو

مسعود یوسفی/ دبیر گروه اقتصادی
مرتضی گلبورا دبیر گروه سیاسی

احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی چندی پیش با حضور در مؤسسه مطبوعاتی «ایران»، با اعضای تحریریه دیدار و گفت‌وگو کرد و از تزدیک در جریان قرائت تهیه مطالب روزنامه «ایران» نیز قرار گرفت و قول گفت‌وگو با هم برای روز دیگری داد. هفته گذشته، میدری به وعده خود عمل کرد و در مقابل دوربین ما نشست و درباره «سند پیوست عدالت» وزارتخانه خود توضیحاتی داد. این سند که به نوعی یک «خودانتقادی» و «شناسایی مصادیق بی‌عدالتی» در وزارتخانه است به تازگی تدوین شده و به نوعی دستورالعمل برای این وزارتخانه تبدیل خواهد شد. میدری در این گفت‌وگو درباره سند پیوست عدالت وزارت رفاه توضیح می‌دهد. او از حضور ۱۳ اندیشکده در قرائت تدوین این سند خبر داده و معتقد است که برای اجرای درست باید ابتدا مصادیق بی‌عدالتی را شناسایی کرد و بعد در راستای بهبود عملکرد نیز حرکت کرد. میدری در این گفت‌وگو به یک پارادوکس بزرگ پاسخ می‌دهد که «اتا ایجاد رفاه برای مردم در شرایط تنگنای مالی دولت، ممکن است؟» او معتقد است که با اجرای این سند، می‌توان برای ایجاد رفاه، تنها به «پول» تکیه نداشت و راهکارهای جایگزینی نیز پیدا کرد. اما یک سؤال باقی می‌ماند: آیا «پیوست عدالت» می‌تواند نیز «جزایر پراکنده» در نظام حکمرانی اقتصادی کشور غلبه کند؟ پاسخ میدری به این سؤال را در این صفحه بخوانید:

مثال دیگر، کاری است که زیرساخت آن را فراهم کردیم و بر اساسش دولت چند متخصص انجام خواهیم داد، این است که پزشک عمومی در سیستان و بلوچستان بیمار را معاینه می‌کند و با پزشکی متخصص در بیمارستان میلاد یا دیگر بیمارستان‌ها تماس می‌گیرد و به او شرح حال بیمار را می‌گوید و دارو از سوی متخصص حاضر در تهران تجویز می‌شود. این فرآیند هم باعث ارتقای کیفیت پزشک عمومی در شهرستان و سیستان و بلوچستان می‌شود و هم بیمار دارد زیر نظر یک پزشک حاذق معالجه می‌شود. در حوزه آموزش نیز سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای محلی برای آموزش و پرورش است که به همین دلیل می‌شود، یعنی همان سازی حقوق بازنشستگان، اصلاح حقوق معلمان یا محله محوری، همه این کارها و طرح‌ها گروه‌های مختلف جامعه را متنفع می‌سازد، به ویژه سالمندان را.

ایا موتور پیشرانش همه این طرح‌ها پول و بودجه است، درحالی که امروز در کشور با کمبود منابع روبه‌رو هستیم.

ببینید! دیوید کامرون در زمان نخست وزیری انگلستان گفت «دیگر همه دولت‌ها بی پول شدند و حالا باید ببینیم چطور می‌شود رفاه را بدون پول ایجاد کنیم.» البته دولت‌ها می‌توانند رفاه را بدون پول ایجاد کنند، اما ما به عنوان فرد نمی‌توانیم چنین رفاهی را بدون پول ایجاد کنیم.

البته یک شهروند نمی‌تواند پول چاپ کند، اما دولت می‌تواند پول چاپ کند.

بسیاری از سیاست‌ها این طور نیست که حتماً به پول نیاز داشته باشد. حتماً خبرنگاران عزیز مسأله را شنیدید که بخاری های ۱۰۰ هزار خانوار تحت پوشش بهزیستی به صورت رایگان تعویض و یا بخاری‌های مدرن جایگزین شد. می‌دانید که یک بخاری معمولی هر ساعت ۸ مترمکعب گاز می‌سوزاند، اما یک بخاری بهینه ۴ مترمکعب می‌سوزاند و این یعنی میزان مصرف نصف شده و گاه تا ۴۰ درصد هم می‌رسد. با این کار علاوه بر اینکه بخاری در در اختیار خانوارهای تحت پوشش قرار گرفت، می‌توان آن ۴ مترمکعب باقی مانده را نیز فروخت یا فکر دیگری برای آن کرد. اساساً در کشورها کارهای این طوری وجود دارد که می‌توان بدون پول انجام داد. همین حالا، میزان گازهای همراه ایران که از دست می‌رود، به اندازه کل مصرف اروپاست، پس می‌شود از این کار خلق ثروت کرد. بنابراین از این مثال‌ها درباره اتلاف منابع در ایران موارد زیادی داریم. می‌دانید که عدالت در آموزش، کارآمدی و رفاه فرد را افزایش می‌دهد. همین حالا برخی خانواده‌ها برای حضور فرزندان شان در مدارس خصوصی هزینه‌های سنگینی پرداخت می‌کنند، درحالی که اگر مدارس تفکیک نمی‌شدند، دولت و مردم می‌توانستند با هزینه‌های کمتری از وجوه خاص بهره‌مند شوند. در حوزه سلامت یا تمرکززایی هم به همین ترتیب، می‌شود بون پول گاهایی در مسیر عدالت انجام داد. مثلاً در تهران هزینه‌های مسکن بسیار بالاست. اگر عدالت در بودجه‌ریزی رعایت نشود، بعضی شهرها حساب‌های بانکی خود را به استان‌ها و شهرهای محل فعالیت خود منتقل ک